

خوب به چشمانم نگاه کن، من درد مشترکم، مرا فریاد کن



کودکان کار، پیرانسان های کوچک اندام

چرا کودکان کار می کنند؟

بعضی از سرمایه داران کودکان را به خاطر جثه کوچک شان برای کار مفید تر از بزرگسالان می یابند ، برای گره زدن قالی های گران قیمت (دختر 6 ساله ای در ایران به عنوان بهترین قالی باف انتخاب می شود و در کمال بیشرمی در بوق و کرنا دمیده می شود و از رهبر جایزه دریافت می کند!!) برای خزیدن در تونل های باریک معادن و در معنای درست کلمه برای این که سود بیشتری از این

کار نصیب سرمایه می شود. به طور مثال، در سال 1376 طبقه سرمایه دار ایران نهصد و هجده میلیارد تومان از محل کار کودکان سود اضافی به چنگ می‌آورد

کار کودکان

نگارش : فریده ثابتی

در ترکیب بالا، دو کلمه " کار " و " کودک " احتیاج به توضیح دارند. باید دید کودک کیست و کار چیست و شمول آن در چه محدوده ای است. در وهله اول شاید بگوئیم خوب کودک کودک است مثل همه کودکان. اما وقتی پای کار به میان می‌آید دیگر کودک به مفهوم رایج کودک در نظر گرفته نمی‌شود بلکه مانند هر کارگری بوی خوش ارزش اضافی را به مشام سرمایه می‌رساند.

کودک، بنا به تعریف پیمان نامه سازمان ملل در باره کودکان، انسانی است که 18 سال را تمام نکرده است مگر این که سن بلوغ در کشوری بنا به حقوق جاری اش کمتر تعیین شود! این «مگر» اما خود ناقض تعریف کودک می‌شود، زیرا می‌شود با آن مثلا معیار 9 سال را برای بلوغ دختران و خارج کردن اینان از زمره کودکان به مردم تحمیل کرد و به حقوق و قوانین ارتجاعی صحنه گذاشت. یا اجازه داد تصمیم‌گیری در مورد کار کودکان زیر 18 سال به پدر یا قیم یا مقامات قضائی سپرده شود. نمونه این دو مورد را در قوانین کشورهای اسلامی و قانون کار بسیاری از کشورهای دنیا می‌یابیم.

گذشته از این اما و اگر و مگرها باز هم کشورهایی که پیمان نامه را پذیرفته اند در اجرای آن خود را موظف نمی‌دانند و چشم بر نقض آن می‌بندند. جای تعجبی هم نیست، زیرا در نظامی که نیروی کار انسان کالایی مثل هر کالای دیگر است همواره برای خرید و فروش این کالا راه‌های گریزی وجود دارد، معامله‌ای که بنا به تعریف آزاد است. فروشنده در بازار کالای نیروی کار، کالای خود را به میل خود و بدون هیچ‌گونه فشار و اجباری می‌فروشد! خریدار هم آزادانه و برابر! این کالا را می‌خرد تا به نحوی که خود می‌خواهد از این کالا یعنی نیروی کار استفاده کند. اما آیا واقعا فروشنده آزاد است؟ فروشنده‌ای که در این رابطه با خریدار برابر شمرده می‌شود چیزی برای فروش ندارد جز نیروی کارش و قیمت آن را هم نه خود بلکه شرایط جاری و مناسبات حاکم در جامعه تعیین می‌کند. باز هم بنا بر تعریف، این قیمت یا به بیان دیگر مزد کارگر باید به مقداری باشد که بازتولید نیروی کار حاضر و آتی را فراهم سازد. یعنی باید حداقل نیازهای زندگی کارگر و خانواده اش را تامین کند. اما سرمایه دار به دلیل وجود ارتش ذخیره کار (خیل بیکاران) نگرانی از نبود کارگر ندارد. قابل ذکر است که این قوانین و باید و نباید‌ها نه در اثر خیراندیشی پارلمان نشین‌ها و دولت‌های سرمایه داری بلکه حاصل مبارزات چند قرنه کارگران است. البته اینان هم تمام سعی خود را در تعدیل و تخفیف خواست‌های کارگران در جهت حفظ منافع سرمایه انجام داده‌اند. با وجود این واقعیات بسیار دور از این تعاریف است، به نحوی که کارگر که می‌بایست نیروی کار خود را برای تامین نیازهای خود و خانواده اش بفروشد مجبور به فروش نیروی کار زن و فرزندان خود نیز می‌شود. پس زن و فرزندان خود را می‌فروشد و " برده فروش " 1 می‌گردد. چشم برهم می‌گذارد و اجازه می‌دهد زن و دخترانش برای کمک به مخارج خانواده به خودفروشی بپردازند. و بدین طریق مساله کار کودکان مطرح می‌شود. امروزه بنا به تعریف سن کار از طرف سازمان بین‌المللی کار، کار کودک به کار افراد زیر 15 سال اطلاق می‌شود. اما آغازش از کجا و چگونه بود؟

بدون شک از زمان‌های دور کار کودکان مطرح بود. در دوران برده داری که برده و تمام زندگی و حیات و ممتش به برده دار تعلق داشت کودکان هم که با مهر برده بودن به دنیا می‌آمدند- گرچه در بسیاری از موارد فرزندان همان برده داران بودند - از کودکی کار را در کنار دیگر برده‌ها شروع می‌کردند. اما منافع برده داران در آن بود که برای حفظ ارزشی که صرف خرید برده شده و استفاده از کار بردگان، حداقل زندگی آن‌ها تامین کند. یا در دوران فنودالیسم که دهقان وابسته به زمین بود و اختیار جان و مالش با مالک، کودکان نیز از زمانی که توان کار پیدا می‌کردند در کنار والدین و خانواده به کار می‌پرداختند. شدت و سختی کار بستگی به شرایط داشت. اما کار کردن در سرمایه داری معنی و ویژگی دیگری دارد. سرمایه داری به کار کودکان سروسامان داد که آغاز آن به ورود ماشین در کار تولید کالا برمی‌گردد. با ورود ماشین دیگر نیروی عضلانی کارکردش را از دست می‌دهد. بنا بر این، به کارگیری کارگرانی که نیروی عضلانی چندانی ندارند و یا اصولا به خاطر سن کم بدن شان هنوز به رشد و تکامل لازم نرسیده اما دارای نرمش و انعطاف بیشتری است و، از همه مهم‌تر، نیروی کارشان بسیار ارزان است در دست‌کار سرمایه داری قرار می‌گیرد. این کارگران جدید، زنان و کودکان هستند.

بدین گونه کودکان مجبور می شوند به دلیل فقر و حشمتاک خانواده که خود ناشی از بهره کشی بیش از اندازه سرمایه داری است به جای بازی های کودکانه، به جای استفاده از اسباب بازی، به جای رفتن به مدرسه و سواد آموزی، روانه کارخانه ها شوند و در محیط نامناسب آن از نظر جسمانی و هم اخلاقی و فرهنگی، با ابزار کار سرو کار پیدا کنند و به عنوان نیروی کار مورد استثمار شدید قرار گیرند. اینان کودکان خانواده های کارگری هستند.

پدر به عنوان کارگر در همین کارخانه یا کارخانه ای دیگر یا معدنی مخوف مشغول کار است. اکنون مادر نیز به کار گرفته شده اما باز هم سفره از نان خالی است. کل خانواده به خدمت سرمایه درآمده است در حالی که بنا به تعریف ارزش نیروی کار (مرد یا پدر خانواده) می باید کارگر و خانواده اش را تامین و باز تولید کند. اما شدت استثمار چنان بالاست و مزد پرداختی چنان پائین که به جای مرد خانه کل خانواده باید کار و اضافه کاری نماید تا شاید همان مزد و یا اندکی بیشتر را بتواند کسب کند. یعنی می توان گفت در حقیقت یک مزد بین افراد خانواده تقسیم می گردد. اما در طرف دیگر اوضاع به شیوه دیگری است، یعنی سرمایه دار با پرداخت یک مزد یا اندکی بیشتر از یک مزد به مجموع خانواده سه یا بیشتر مورد کار غیر لازم را تصاحب می کند و حجم ارزش اضافی تصاحب کرده را بالا می برد.

این وضعیت که در آغاز صنعت ماشینی پیش آمد چنان لجام گسیخته گردید که دولت بورژوازی و پارلمان آن به دلیل حفظ منافع آتی مجبور به دخالت و تعیین حد و حدود گردید. مثلاً پارلمان انگلیس به عنوان کشوری که پیشرو صنعت بود محدودیت هایی در رابطه با کار کودکان و زنان مقرر کرد، از قبیل لزوم تحصیلات ابتدایی، ساعات محدود کار، محدودیت سنی و غیره. اولین این قوانین به نام قانون کارخانجات در سال 1833 به تصویب رسید که گذشته از تعیین روزانه کار 15 ساعته، کار کودکان و جوانان را به 12 ساعت محدود می کند و به تدریج با رشد گیری مقاومت کارگران که آن هم با صنعت بزرگ آغاز می شود در سال 1844 ساعات کار کودکان کوچک تر از 13 سال به 6-7 ساعت در روز محدود می گردد. بعد از شکست و سرکوب قیام چارتیست ها و سپس قیام ژون پاریس دوباره از سال 1850 نیروی تعرضی طبقه کارگرسریعا رشد می یابد و متعاقب آن پارلمان مجبور به تصویب قوانین جدید می گردد. کارشبانان زنان و جوانان و کودکان ممنوع می شود. این روند با توجه به قدرت مبارزاتی طبقه کارگر و به نسبت شدت و ضعف مبارزه طبقاتی فراز و نشیب می یابد. کنگره بین الملل کارگری در ژنو در سپتامبر 1866 روزانه کار 8 ساعته را پیشنهاد می کند. قوانین حمایت از کودکان به وجود می آید و کار کودک ممنوع اعلام می شود. اما بینیم امروز در بر کدام پاشنه می چرخد و در ورای این قوانین اوضاع واقعی در مورد کودکان چگونه است.

برای دقت بیشتر و امکان مقایسه مساله را در بخش های جداگانه کشورهای صنعتی پیشرفته و کشورهای در حال رشد (گرچه واژه ای رسا نیست و بسیاری از کشورها که در زمره این تعریف قرار می گیرند نه در حال رشد که در حال فروپاشی و نشان دهنده فاجعه های انسانی دلخراش هستند. اما بازار سرمایه با وجود این گرم است و از خون این قربانیان نیرو می گیرد) و در درون کشورهای در حال رشد هم آن ها را بر اساس قاره ها مورد بررسی قرار می دهیم.

یک دوازدهم جمعیت جهان دچار سوء تغذیه است که 160 میلیون نفر آن را کودکان زیر 5 سال تشکیل می دهد. هر روز 34 هزار کودک زیر 5 سال و هرساله 12 میلیون کودک از گرسنگی می میرند در حالی که به اندازه کافی گندم، برنج و مواد غذایی برای سیر کردن شکم جمعیت جهان وجود دارد. هم زمان با این مرگ و میر بالای کودکان از گرسنگی، برای حفظ قیمت و تعادل بازار مقادیر زیادی از این مواد عامدانه نابود می گردند.

می گویند فقر مهم ترین عامل گرسنگی است اما نمی گویند این فقر فزاینده از کجا می آید و چرا همواره دامنه آن گسترده تر می شود. 1 نفر از هر 4 نفر جمعیت جهان یعنی 3/1 میلیارد نفر روزانه با کمتر از یک دلار آمریکا زندگی می کند. درحقیقت باید بگوئیم این تعداد از جمعیت جهان مرگ را روز شماری می کنند.

چرا کودکان کار می کنند؟

250 میلیون کودک 14-5 ساله کار می کنند تا چرخ اقتصاد جهان بهتر به گردش درآید. از این تعداد، 120 میلیون کودک به طور تمام وقت و بقیه نیمه وقت کار می کنند. 113 میلیون کودک حتی از تحصیلات ابتدایی محرومند و در بسیاری از نقاط به طور سنتی این شتر ابتدا در خانه دختران کوچک می خوابد و خانواده سودی در سرمایه گذاری برای آموزش دختران نمی بیند یا از شدت فقر در حقیقت آن ها را می فروشد. هم زمان میلیون ها انسان بزرگسال بیکارند. بعضی از سرمایه داران کودکان را به خاطر چته کوچک شان برای کار مفید تر از بزرگسالان می یابند، برای گره زدن قالی های گران قیمت (دختر 6 ساله ای در ایران به عنوان بهترین قالی باف انتخاب می شود و در کمال بیشماری در بوق و کرنا دمیده می شود و از رهبر جایزه دریافت می کند!!) برای خزیدن در تونل های باریک معادن و درمغای درست کلمه برای این که سود بیشتری از این کار نصیب سرمایه می شود. به طور مثال، در سال 1376 طبقه سرمایه دار ایران نهصد و هجده میلیارد تومان از محل کار کودکان سود اضافی به چنگ می آورد 2.

کودکان به چه کارهایی اشتغال دارند؟

در کارخانه ها برای تولید کالاهای مختلف با مزدی اندک و تحت شرایط بسیار بد و بدون هیچ لباس حفاظتی و اقدامات ایمنی کار می کنند، مثل تولید کفش ورزشی، قالی بافی، کبریت سازی، شیشه گری، ساخت مواد آتش بازی، تولید سیگار، تولید مواد سمی و شیمیایی که نمونه بوپال هند دنیا را تکان داد اما برای سرمایه تنها ارتعاش کوچکی بود که با پرداخت اندکی پول به خانواده های فقیر کشته شدگان بر آن سرپوش گذاشته شد تا در جاهای دیگر تکرار شود. نمونه دیگر آن شرکت آمریکایی اچ. ب. فولدرر گواتمالا است که به تولید مواد سمی و شیمیایی توکسید و چسب برای کفش مشغول است که بر روی اعصاب تاثیر می گذارد. این شرکت از کار کودکان خیابانی و دیگر کودکان خانواده های فقیر استفاده می کند. این کودکان به دلیل استنشام مواد سمی حس بویایی خود را از دست می دهند و گاه از تاثیر سم می میرند. به طور مثال، در ژانویه 1993 در این کارخانه 11 کودک به دلیل مسمومیت مردند اما سود کارخانه در یک سال از این تجارت 450 هزار دلار بود. سنگ شکنی، ماهی گیری در دریای عمیق، دستفروشی، ماشین شویی و ماشین پایبی، شاگردی مغازه، پادویی، کشاورزی خانوادگی و کشاورزی صادراتی همراه با خانواده، کار بدون مزد فامیلی، خدمتکاری و واکس زنی در مراکز خدماتی مثل هتل ها، کافه ها و بارها، در رستوران ها و آشپزخانه ها، و درکارهایی که به عنوان بدترین نوع کار تقسیم بندی میگردند، مثل بردگی جنسی، استفاده از کودکان در فاحشگی، پورنوگرافی، حمل و توزیع مواد مخدر، تجارت سسکس و توریسم سسکس. این بخش 179 میلیون از 246 میلیون کودکان کار را در برمیگیرد. توسط دولت ها و چریک های مخالف به عنوان سرباز به کار گرفته می شوند. پسران امکان بیشتری برای یافتن شغل دارند. دختران اما بیشتر نزد خانواده ها به عنوان خدمتکار بدون دریافت هیچ مزدی روزانه 10 تا 14 ساعت کار می کنند و بنا بر طبیعت این نوع کار در آمارها هم به حساب آورده نمی شوند. هم چنین در تجارت سسکس و توریسم سسکس بیشتر مورد استفاده قرار می گیرند.

جنگ و کودکان

کودکان همواره قربانیان جنگ ها هستند. در جنگ های 10 ساله اخیر دو میلیون کودک جان خود را از دست داده اند. اما این جا به شیوه ای دیگر قربانی می شوند. آن ها به خاطر فقر، به خاطر دریافت غذای روزانه و به خاطر داشتن جایی برای زندگی! به ویژه کودکان خیابانی و بعضی از ترس به ارتش دولتی یا ارتش چریکی می پیوندند. شمار کودکان سرباز در 30 کشور درگیر در جنگ در نقاط مختلف دنیا بالغ بر 300 هزار نفر است. 3. از این کودکان برای پیام رسانی، حمل اسلحه و بار، مین رومی، و پارتیترسسکس استفاده می شود. استفاده از کودکان زیر 18 سال تنها اختصاص به کشورهای فقیر یا در حال رشد ندارد بلکه در کشورها ی پیشرفته صنعتی هم کودکان خانواده های فقیر را در برمی گیرد. مثلا بعضی از کودکان سرباز انگلیسی در جنگ خلیج و فالکلند کشته شدند. هم چنین سربازان 17 ساله آمریکایی در جنگ های سومالی، بوسنی و خلیج شرکت داشتند. در کانادا کودکان 16 ساله را به خدمت نظام می پذیرند. کودکان سرباز در بسیاری از جنگ های دیگر از جمله بوسنی هرزگوین، چین، ناگورنو قره باغ، مقدونیه، ترکیه، کوسوو، داغستان و جمهوری های سابق یوگوسلاوی فعال بودند. از جمله جنگ هایی که کودکان به طور علنی در آن فعال بودند و حضور آن ها از طرف مسئولان بالای مملکتی مورد تشویق و تائید قرار می گرفت جنگ ایران و عراق بود. کودکان ایرانی برای حضور در جنگ احتیاج به اجازه والدین نداشتند. از این کودکان برای مین رومی و عملیات انتحاری استفاده می شد. نمونه بارز آن کودک 12 ساله ای بود که خود را با مواد منفجره به یک تانک عراقی زد و کشته شد که از طرف رهبر و مقامات دیگر به الگوی کودکان و نوجوانان مسلمان تبدیل شد. خود من نیز دو کودک 11 و 13 ساله را می شناسم که در میدان مین پودر شدند و آثاری از آن ها باقی نماند تا به خانواده شان تحویل دهند. در حالی که فرزندان همین رهبران در کنار والدین خود به راحتی زندگی می کردند و به آن ها گفته می شد: جبهه جنگ شما، مدرسه است (از مصاحبه رفسنجانی در مورد اشتیاق پسرش برای رفتن به جبهه). این وضعیت خود را در ادبیات و فرهنگ جنگ به خوبی نشان می دهد. در یکی از سرودهایی که در زمان جنگ مرتب برای تشویق کودکان در رفتن به جبهه از رادیو ایران پخش می شد کودکان سرود خوان می گفتند: دشمن خیال کرده ما نوگل بهاریم، اما امام ما گفت ما مرد کارزاریم!! عجیب است که دشمن در این مورد انسانی فکر می کند!!

کودکان و سسکس تجاری

سسکس تجاری، که یکی از نمودهای سقوط اخلاقی در سرمایه داری است، شامل فاحشگی کودکان، پورنوگرافی کودکان، توریسم سسکس و ترانزیت کودکان به خاطر سسکس است. خودفروشی کودکان با سسکس تجاری سازمان دهی می شود. کودکان از طریق بچه دزدی یا بیواسطه با تحویل خانواده های فقیر برای دریافت پولی اندک یا به عنوان استرداد قرض خانواده و گاه به تصور تهیه زندگی بهتری برای کودک در آینده و یا توسط قیم برای دریافت پول در اختیار باندهای مربوطه قرار می گیرند. کودکان خیابانی بزرگ ترین منبع این به اصطلاح تجارت هستند. این کودکان گذشته از آسیب

های شدید روحی در خطر جدی ایدز قرار دارند. توریست های سکش معمولاً از آمریکا، کانادا، ایتالیا و آلمان می آیند، یعنی از کشورهای پیشرفته سرمایه داری که مشکل و محدودیتی برایشان در سکش طبیعی وجود ندارد.

توزیع جغرافیایی کار کودک

منطقه	کشورهای صنعتی اروپا	اروپای شرقی	آسیا و اقیانوسیه	آفریقا و خاور میانه	آمریکای لاتین و کارائیب
میلیون نفر	5/2	4/2	3/127	4/61	4/17
درصد			61	32	7

اروپای غربی

گرچه آمار رسمی و دقیقی ارکارکودکان در اروپا وجود ندارد اما بعضی از مطالعات نشان از کار گسترده کودکان در انگلیس، ایتالیا، اسپانیا و پرتغال دارد. ، لذا کار کودک به صورت یک مساله جدی برای اروپا در آمده است. می توان گفت تقریباً در هر چیزی که می خریم جای پای کارکودکان وجود دارد، به ویژه در بسیاری از شاخه های صادراتی از جمله تولید پوشاک و هم چنین در توریسم سکش کودکان، پورنوگرافی کودکان و استفاده از آن ها در کار توزیع مواد مخدر، به نحوی که در دسامبر 1999 پارلمان اروپا موظف به اقداماتی برای کاهش آن می شود. در کشورهای پیشرفته صنعتی 5/2 میلیون کودک کار می کنند. این آمارچنان که بر می آید نمی تواند درست باشد، زیرا بر مبنای گزارش BBC در 10 فوریه 1998 بیش از دو میلیون کودک در سن مدرسه تنها در انگلیس به نوعی در استخدام هستند که سه چهارم آن ها به طور غیرقانونی کار می کنند. به کودکان ساعتی 33 پنس مزد داده می شود. گرچه متوسط ساعات کار هفتگی 8 ساعت است بعضی از کودکان تا 29 ساعت در هفته کار می کنند. یا براساس گزارشی دیگر دو سوم کودکان دبیرستانی انگلیس احتمالاً نیمه وقت کار می کنند یا 50 درصد کودکان موقع تعطیلی مدرسه یک کار نیمه وقت دارند. سالانه 500 هزار زن و دختران نوجوان از آفریقا، آسیای جنوب شرقی و به ویژه اروپای شرقی و مرکزی به اتحادیه اروپا ترافیک می شوند و به کار سکش تجاری مجبور می گردند. بر اساس مطالعه ای در آلمان حدود 600 هزار کودک کار می کنند که 40 درصدشان 15 - 13 ساله هستند. آن ها در مزارع و کارگاه های فامیلی، روزنامه فروشی، پخش آگهی های تجاری و . . . فعالند. طبق قانون کار آلمان کودکان زیر 13 سال به هیچ وجه اجازه کار کردن ندارند. اما بسیاری از کارفرماها به طور غیرقانونی از کار نوجوانان به دلیل ارزان بودن استفاده می کنند. در پرتغال 50 هزار کودک به طور تمام وقت و اکثراً در کشاورزی کار می کنند. با وجود اجباری بودن و کنترل آموزش مدرسه ای در شمال پرتغال کودکان حدود 12 ساله در کارخانه های تولید کفش کار می کنند، در حالی که سن قانونی کار 16 سال است. در خانواده های فقیر پرتغال کسب درآمد پولی مهم تر از آموزش و آموختن است و به همین سبب وقتی کاری برای کودکی پیدا می شود سبب شادمانی می گردد. قابل ذکر است که در اتحادیه اروپا 55 میلیون نفر در زیر خط فقر زندگی می کنند. از هر ده کودک یک کودک زندگی اش با کمک های اجتماعی تامین می گردد.

اروپای شرقی و جمهوری های سابق شوروی

به دست آوردن بسیاری از اطلاعات آماری مربوط به این کشورها مشکل و گاه دست نیافتنی است. درصد کودکان کارگر در این کشورها با اطلاعات رسمی بین 1 تا 30 درصد کل کودکان 14-10 در نوسان است. سن قانونی کار در آن ها بین 14 تا 18 سال است. این کودکان در مزارع فامیلی، مارکت ها، باربری، نظافت، شاگردی مغازه، فروش روزنامه، دستفروشی در خیابان، ماشین شویی، کار در مزارع کتان و برنج، پرورش کرم ابریشم، گدایی و به ویژه به خودفروشی اشتغال دارند.

این کشورها منبع اصلی برای ترانزیت زنان و به ویژه کودکان به اروپا و سایر کشورهاست. بعد از تخریب بلوک شرق و ورود آن ها به نظام سرمایه داری نوع غربی، نابسامانی های اجتماعی که قبلاً به شیوه هایی تخفیف می یافت مثل یک دمل چرکی سرباز کرد. اما به جای بهبود - که البته بهبودی در کار نبود - به غده سرطانی تبدیل شد. از جمله این نابسامانی ها پدیده کودکان خیابانی و تجارت سکش است. اکنون این کشورها منبع اصلی تامین زنان و دختران خودفروش برای کشورهای اروپایی است، به نحوی که در کشورهای اروپا تعداد خودفروشان مهاجر از خودفروشان بومی بیشتر شده است. اغلب این ها را کودکان 13 و 14 ساله تشکیل می دهد که باندهای قاچاق انسان آن ها را با وعده یافتن شغلی خوب به اروپای غربی می آورند و به بردگی جنسی می کشانند. کودکان به ویژه دختران از قزاقستان

به یونان، ترکیه، امارات، اسرائیل و کره جنوبی، از ازبکستان به کشورهای خلیج فارس، کره جنوبی، ترکیه و تایلند برای سکس تجاری ترانزیت می‌شوند. از استونی به شمال و غرب اروپا، از گرجستان دختران برای فاحشگی و کلفتی و سکس تجاری و پورنوگرافی به ترکیه و یونان ترانزیت می‌شوند.

کشورهای در حال رشد

آفریقا

یک سوم کل کودکان 5-14 ساله آفریقا کار می‌کنند که بالاترین میزان کار کودک در جهان است. چاد با 5/65، گینه بیسائو با 4/65 و کامرون با 5/63 درصد، بالاترین درصد کار کودکان 5-14 ساله را در آفریقا دارند. سه چهارم کودکان به کار فامیلی بدون مزد و 90 درصدشان به کار کشاورزی اشتغال دارند.

به طور کلی 22 درصد نیروی کار قاره آفریقا را کودکان تشکیل می‌دهند. عمده فعالیت های اقتصادی که کودکان در آن ها مشغولند عبارت از: کار در مزارع فامیلی، مزارع تجاری کشت نیشکر، برنج، چای، و قهوه. به طور مثال 50-60 درصد نیروی کار مزارع قهوه کنیا را کودکان تشکیل می‌دهند. در گابن برای کار اجباری در مزارع تجاری به 340 دلار آمریکا فروخته می‌شوند. آن ها بدون دریافت مزدی روزانه 12 ساعت کار می‌کنند و مورد سوء استفاده جنسی نیز قرار می‌گیرند. بعضی از کودکان در صنایع صادراتی مثل نساجی، لباس دوزی، قالی بافی و کفش کار می‌کنند. عده ای دیگر در معادن طلا، الماس و ذغال و . . . دستفروشی در خیابان، واکس زنی، ماشین پایی، شاگردی مغازه، خدمتکاری و کار در کارگاه های تعمیراتی و فلزکاری ها که در آن ها با مواد شیمیایی و سمی چون رنگ، تینر و اسید باطری سرو کار دارند. از جمله کارهای دیگر چیدن و جمع آوری میوه، کندن گل، ماهی گیری، و جستجو در آشغال برای مواد فلزی و پلاستیک و غیره است. سن قانونی کار در این کشورها متغیر و از 12 تا 18 سال است. دختران معمولاً به کار خدمتکاری در منازل اشتغال دارند که یا بی مزد است و یا مزد ناچیزی دارد. اما اینان در خطر سوء استفاده جنسی و به دلیل دوری از خانواده و تنها بودن دچار مشکلات روانی اند. اشتغال در ارتش دولتی یا چریکی مخالف دولت هم تعدادی را به خود جلب می‌کند. در چاد کودکان 13 ساله در ارتش پذیرفته می‌شوند و آن ها را برای مین روبی به خط مقدم می‌فرستند. در جمهوری کنگو 15 هزار کودک سرباز وجود دارد که از 13 سالگی پذیرفته می‌شوند اما ورود به ارتش های محلی از 8 سالگی است. سکس تجاری و پورنوگرافی از کودکان در حال گسترش است و کودکان به این دلیل به اروپا و کشورهای داخل قاره ترانزیت می‌شوند. در کنگو دختران از سن 8 سالگی به خودفروشی کشیده می‌شوند و در اتیوپی پسران و دختران از 11 سالگی. کامرون کشور ترانزیت کودکان وارداتی از نیجریه، بنین، چاد، کنگو، آفریقای مرکزی، توگو و مالی برای سکس تجاری است. آفریقای جنوبی از مراکز اصلی ترافیک کودکان به اروپا و ترافیک دختران به اسرائیل و روسیه است.

آموزش ابتدایی گرچه در اغلب کشورها اجباری و مجانی است اما میزان خالص ثبت نام در آن پائین و به طور متوسط 40 درصد است. در اکثر این کشور کودکان مناطق روستایی به مدرسه فرستاده نمی‌شوند، که دلیل آن علاوه بر کمبود یا نبود مدرسه فقر مفرط است، زیرا قادر به تهیه کتاب و دفتر و غیره نیستند. در بسیاری از کشورها به دلایل فرهنگی دختران را به مدرسه نمی‌فرستند. بسیاری نیز از 5 سالگی به خدمتکاری فرستاده می‌شوند. بنا به گزارش یونیسف در گینه بیسائو 25 درصد مدارس تنها 2 کلاس درس و 50 درصد شان فقط تا پایه چهارم را دارند. در بعضی مناطق نیز کودکان را به مدارس اسلامی می‌فرستادند.

آسیا

3/127 میلیون کودک 5-14 ساله در آسیا کار می‌کنند. اما آمارهای غیررسمی بسیار فراتر از این است. مثلاً بنا به گزارش سازمان جهانی کار که از منابع رسمی استفاده می‌کند 3/11 میلیون کودک کارگر در هند وجود دارد که 4/5 درصد نیروی کار هند را تشکیل می‌دهد. اما بنا به گزارش سازمان های غیردولتی بین 44-55 میلیون کودک در هند کار می‌کنند که 14 میلیون تنها به عنوان خدمتکار در خانه ها کار می‌کنند. در ایران بنا به گزارش منابع رسمی 380 هزار کودک 10-14 ساله به طور ثابت و 360 هزار به طور فصلی کار می‌کنند، یعنی در مجموع 740 هزار کودک کارگر. این آمار کار بی مزد کودکان در فعالیت های اقتصادی خانوادگی، خدمتکاری، شاگردی مغازه و کارهای غیررسمی را در برنمی‌گیرد.

سن کار قانونی در اکثر کشورهای آسیا 15 سال و بیشتر است اما در بعضی کشورها بسیار پائین تر است، مثلاً در بنگلادش بین 12-14 سال است. در اغلب این کشورها کار از سن پائین تر از 15 با اجازه والدین یا قیم هم امکان پذیر است اما سن غیرقانونی کار از 4 یا 5 سالگی به ویژه در کارگاه های قالی بافی، حصیر بافی، آجرپزی آغاز می‌گردد و کودکان در کنار والدین خود و یا تنها روزانه بیش از 10 ساعت کار می‌کنند. در منابع رسمی ایران از جمله در انتشارات مرکز آمار ایران توزیع فعالان در بخش های عمده اقتصادی بر مبنای شاغلان 10 ساله و بیشتر انجام می‌گیرد

یعنی به طور رسمی سن کار از 10 سالگی در نظر گرفته می‌شود. حداقل سن کار در ایران طبق ماده 16 قانون کار 12 سال است. اما باز طبق ماده 7 همین قانون حداقل سن کار برای کارگاه های فامیلی اعتبار ندارد. حتی با رعایت ضوابطی، کار شبانه نیز برای شان مجاز است. کودکان آسیایی در بخش مختلف رسمی و غیررسمی کار می کنند که موارد زیر را شامل می شود:

کارخانه های کفش سازی کار با چسب و مواد شیمیایی خطرناک، کارگاه های ساخت وسایل آتش بازی و مواد منفجره، تولید توپ والیبال و کریکت به ویژه توسط کودکان بسیار کم سن پاکستانی، به طور مثال در کارخانه سیالکوت در شرق پاکستان سالانه 40 میلیون انواع توپ به ویژه توپ فوتبال تولید می شود. 25 هزار نفر برای این کارخانه کار می کنند که 5 هزار نفرشان را کودکان تشکیل می دهند. آن ها تکه های کوچک را به هم می دوزند و از 7 صبح تا دیر وقت شب برای دریافت حقوق ناچیزی که چند سنت است برای شرکت های معروف از قبیل ریبوک، دان لوب، لوتو، میتره و آدیداس توپ تولید می کنند که در اروپا به قیمت بالا فروخته می شود. تولید وسایل بوکس، کاردرهتل ها و رستوران ها، کار در آشپزخانه ها ، بیشترین نیروی کار کودکان در کشاورزی در مزارع برنج، گندم، توتون، شکر، کانوچو، چای، موزو دانه ها به کار گرفته می شود. در سنگ شکنی ، آجرپزی، سفال و شیشه گری، ماهی گیری، صید مروارید در آب های عمیق و کار در معادن سطحی و زیر زمینی بدون امکانات حفاظتی، جستجو در تل های آشغال برای یافتن مواد فلزی، پادویی مغازه، ماشین پایی و ماشین شویی، دستفروشی در خیابان، واکس زنی (همایون 10 ساله که در پارک ملی مشهد از 7 صبح تا 9 شب کار می کند می گوید برای کمک به مخارج خانواده از 5 سالگی کار کرده است در حالی که دوست دارد درس بخواند.) و وزن کردن، باربری ، بارزدن و خالی کردن بار، خدمتکاری به ویژه برای دختران که روزانه تا 18 ساعت کار می کنند و حقوق ماهیانه آن ها حدود 7 دلار آمریکاست و در خطر سوء استفاده جنسی قرار دارند. در کارخانه ها و کارگاه های قالی بافی و تعمیرگاه های اتومبیل که چون کار شاگردی و آموزشی محسوب می شود حداقل مزد پرداخت می گردد. در کارخانه های اسباب بازی سازی، شکلات، و محصولات غذایی به کار گرفته می‌شوند در حالی که خود اغلب گرسنه اند و در آرزوی داشتن اسباب بازی و بازی های کودکانه. روزنامه فروشی، فال و دعا فروشی، آدامس و سیگار فروشی، پلاستیک فروشی، نان خشکی و غیره.

علاوه بر موارد بالا، کودکان فروخته می شوند. اجاره داده می‌شوند. برای بازپرداخت قرض هایی که هیچ گاه تمامی ندارد و اگذار می‌شوند. توسط باندهای جنایت کار برای تجارت اعضای بدن دزدیده و کشته می شوند. مورد سوء استفاده جنسی قرار می گیرند و به کار خودفروشی وادار می گردند ودر تجارت سکس به نقاط مختلف برای توریسم سکس صادر می گردند. بیش از یک میلیون کودک در آسیا در بردگی سکس هستند. دو کشور ترکیه و تایلند کشورهای ترانزیت دختران از 9 ساله برای سکس تجاری هستند. این دختران از رومانی، روسیه ، اکراین، مولداوی، ارمنستان، آذربایجان، بلغارستان، گرجستان و خود کشورهای آسیایی به اروپا و کشورهای حوزه خلیج فارس صادر می‌شوند، به طور مثال سالانه 200 هزار زن و کودک در پاکستان برای کار! فروخته می‌شوند. چندی پیش نیز مساله تجارت سکس دختران کم سن توسط بعضی نهادهای رسمی ایران به امارات برملا گردید و یا اخیرا خود مقامات برای رد گم کردن خبراز گسترش این پدیده می دهند. " تا کنون تعداد زیادی از زنان و دختران ایرانی به شکل غیرقانونی به پاکستان، افغانستان، و کشورهای عربی برده و دراختیار مراکز خرید و فروش قرار گرفته اند 5. " گویی تنها دل نگرانی آن ها غیرقانونی بودن آن است. یک سوم از 55 هزار خودفروش کامیوج کودک اند و در هند 345 هزار کودک به خودفروشی اشتغال دارند. این کودکان همه در خطر ایدز قرار دارند. تنها در یک مورد 650 هزار کودک حامل ایدز در تانزانیا وجود دارد.

از کودکان در کارهای جنائی و قاچاق و برای حمل و توزیع مواد مخدرسوء استفاده می شود. هر ساله 20 هزار پسر 4-5 ساله از بنگلادش و بسیاری دیگر از پاکستان به امارات و کشورهای حوزه خلیج فارس صادر می شوند تا برای شرکت در مسابقات شترسواری تربیت شوند و شادی شیوخ عرب را فراهم سازند که مورد سوء استفاده جنسی هم قرار می‌گیرند، زیرا این کودکان در حقیقت فروخته می شوند و جزو مایملک خریدار محسوب می گردند.

رابطه مستقیمی بین کار و آموزش کودکان وجود دارد. گرچه در همه این کشورها آموزش ابتدایی اجباری و رایگان است اما به دلیل بیکاری والدین، فقر و گرانی وسایل آموزشی و مخارج رفت و آمد خانواده ها از فرستادن کودکان به مدرسه چشم می پوشند و آن ها را روانه بازار کار می کنند. به همین دلیل بسیاری ازین کودکان هیچ گاه به مدرسه فرستاده نشده اند و بسیاری مدرسه ابتدایی را نا تمام رها کرده اند. به طور مثال 30 درصد کودکان 13 تا 15 ساله تایلند اصلا به مدرسه نرفته اند. در بنگلادش 52 درصد پسران و 48 درصد دختران به مدرسه ابتدایی وارد می شوند. در سال 2000 در کشور تانزانیا 4 میلیون از 10 میلیون کودک 14-5 ساله به مدرسه نمی‌رفتند.

آمریکای لاتین

آمریکای لاتین و منطقه کارائیب با مجموع 4/17 میلیون کودک کارگر، 7 درصد کل کودکان کارگر دنیا را دارد. در این

جا نیز چون سایر مناطق عامل اصلی کار کودکان عبارت است از فقر ناشی از استثمار سرمایه داری و تقسیم کار جهانی و سودیابی بیش از حد سرمایه از کار کودکان به جای کار نیروهای بزرگسال که گران تر است. در این منطقه نیز فقر ابتدا دامن گیر دختران می‌شود. 69 درصد دختران 17-10 در پاناما به خدمتکاری فرستاده می‌شوند. دختران به جای فرستاده شدن به مدرسه برای سواد آموزی به کلفتی در خانه های مردم فرستاده می‌شوند که در صد بالایی از آنان مزد هم دریافت نمی‌کنند و با کار طولانی روزانه تنها غذا و مکان زندگی دریافت می‌دارند، مورد سوء استفاده جنسی قرار می‌گیرند و به خاطر دور بودن از خانواده در سنین کودکی دچار مشکلات روحی روانی می‌شوند. به طور مثال دو سوم کودکان خدمتکار در هندوراس مزدی دریافت نمی‌کنند و تنها سودش برای خانواده کم شدن یک نان خور از سر سفره فقیرانه شان است. در بسیار از کشوره خانواده برای کار به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کنند اما کودکان را با خود به همراه نمی‌برند که آن‌ها به جمع کودکان کار یا کودکان خیابانی اضافه می‌شوند.

با وجودی که آموزش ابتدایی مجانی و اجباری است بین 30 تا 50 درصد کودکانی که به مدرسه فرستاده می‌شوند مدرسه ابتدایی را تمام نکرده به دلیل فقر و عدم توانایی در تهیه وسایل کمک آموزشی مجبور به ترک تحصیل می‌گردند، به طوری که در بسیاری از کشورها متوسط سال های تحصیل 4 سال است. یا در کاستاریکا 24 درصد کودکان اصلا شناسنامه ندارند که به مدرسه فرستاده شوند.

سن قانونی کار در اکثر قریب به اتفاق کشورها 14 و بیشتر است اما مراقبتی برای اجرای آن انجام نمی‌شود زیرا در آن صورت باید آن‌ها را زیر پوشش کمک های دولتی قرار دهند که برای شان خوشایند نیست. این قوانین توسط خود دولت‌ها هم زیر پا گذاشته می‌شود که نشانه بارز آن وجود کودکان سرباز در ارتش دولتی است. شروع کار در بعضی از مناطق و بعضی از فعالیت های اقتصادی چنان پایین است که باورکردنی نیست. به طور نمونه در مناطق کشاورزی پرو کودکان 6-7 ساله 55 درصد کودکان کار را تشکیل می‌دهند یا در کارخانه های آجر کودکان از 3 سالگی به همراه والدین خود کار را آغاز می‌کنند.

عمده فعالیت های اقتصادی که از کار کودکان تغذیه می‌کند عبارت اند از کار کشاورزی و کار بدون مزد فامیلی. براساس گزارش یونیسف نیم کودکان کار هندوراس در این بخش فعالند. خدمتکاری بیشتر برای دختران و کمتر برای پسران، کار در مزارع تجاری قهوه و شکر، کار در کارخانه های تولید لباس، کفش، وسایل منزل و بسته بندی حبوبات در سوپرمارکت ها، کار در معادن و صنعت ذغال، ماهی گیری و تولیدات وابسته به آن، مراقبت از احشام و تولید گوشت، دستفروشی در خیابان ها، پادویی، واکسی ماشین شویی و ماشین پایی، کاردر هتل ها و رستوران ها و کلوپ های شبانه که با سوء استفاده جنسی همراه است. کار ساختمانی، گدایی (کودکان بسیاری برای گدایی از کشوری به کشورهای دیگر صادر می‌شوند، به طورنمونه سالانه 2 تا 3 هزار کودک از هائیتی برای گدایی به دومینیکن صادر می‌شوند).

کودک سرباز: کودکان توسط دولت و چریک های مخالف دولت برای سربازی پذیرفته می‌شوند. ازین کودکان در کار پیام رسانی، حمل بار و تسلیحات، پارتنرسکس استفاده می‌شود. کودکان به دلایل مختلف به این بخش می‌پیوندند که مهم ترین شان عبارت است از رهایی از کار بی پایان و بدون مزد خدمتکاری، تامین غذایی، تامین مکان زندگی برای کودکان خیابانی و مراقبت جسمانی و ترس.

سکس تجاری: اکثر کشورهای این گروه در این زمینه فعال اند. کودکان به کشورهای منطقه یا سایر نقاط دنیا ترانزیت می‌شوند. کلمبیا مرکز ترافیک کودکان به ژاپن، اسپانیا و آمریکا است. کاستاریکا مرکز ترانزیت سکس کودکان از بلغارستان، کلمبیا، دومینیکن، نیکاراگوا، روسیه، پاناما، فیلیپین، آسیا و آفریقا است. اکوادور محل ترانزیت کودکان و زنان در منطقه برای تجارت سکس با کشتی به ژاپن است. تجارت سکس به ویژه در مناطق توریستی رونق دارد و کودکان از سنین 8 و 9 سالگی به خودفروشی مجبور می‌شوند. به نحوی که خودفروشی در حال رشد است و رانندگان تاکسی در بعضی شهرها ی توریستی کار واسطه گری سکس را به عهده دارند.

ایالات متحده آمریکا

بنا بر اطلاعات ارائه شده در کتاب سالانه آمار کار ILO، سال 2001، در سال 2000 در آمریکا 8369 هزار نفر در گروه سنی 16-19 فعال اقتصادی بوده اند. 80 درصد 10 میلیون کودک 17-15 ساله در طول سال تحصیلی شغلی داشته اند. 6 درصد در سال 98 در آمریکا 4 میلیون کودک کار می‌کردند. براساس آمار اداره آمار کار، 6/2 میلیون نوجوان یعنی 5/34 درصد 16-17 ساله ها به نوعی در استخدام بودند. براساس گزارش در ژوئن 96، 5/5 میلیون کودک 17/12 ساله کار می‌کردند. این آمار کودکان زیر 12 سال را در بر نمی‌گیرد. قابل ذکر است که کودکان 6، 7، 8 ساله آمریکایی در مناطق کشاورزی کار می‌کنند. کودکان اغلب در مزارع روزانه 12 ساعت کار می‌کنند. گاه کاراز ساعت 3 یا 4 صبح آغاز می‌شود. کودکان در گرمای 100 درجه فارنهایت در شرایط بسیار بدی کار می‌کنند، با مواد شیمیایی سمی سروکار دارند که سرطان زاست. کشاورزی تجاری خطرناک ترین بخش برای کار کودکان و هم زمان بزرگترین بخش جذب کار کودکان بدون حمایت های قانونی است که سبب آسیب فراوان به زانوی کودکان می‌شود. هر ساله 100 هزار

کودک در کارکشاورزی تجاری آسیب می بینند. فقیرترین کودکان در آمریکا کار را از زمانی آغاز می کنند که دیگر کودکان همسال شان هنوز به کودکان نمی روند. در یک تحقیق انجام یافته توسط داگلاس ال. کورزه اقتصاد دان کار دانشگاه Rutgers، 290200 کودک در استخدام بودند که 59600 نفرشان زیر 14 سال بودند. به طور کلی 4 درصد همه 12-17 ساله ها در هفته به نحوی کار می کنند. به طور خلاصه کودکان در آمریکا 9/7 در صد نیروی کار آمریکا را تشکیل می دهند.

70-80 درصد صنعت سسکس!! آمریکا و کانادا با کودکان شروع به کار کردند. دختران در آمریکا از 12، 13، و 14 سالگی کار خودفروشی را در خیابان آغاز می کنند. گزارشی در سال 98 می گوید که سالانه 2-2/1 میلیون کودک به کودکان خیابانی می پیوندند که یک دوم آن ها وارد کار خودفروشی می شوند. در آمریکا سن متوسط خودفروشی 9/16 سال است. اما این سن برای پسران 14 سال است. علاوه بر این، هر ساله 45-55 هزار زن و کودک از سراسر دنیا به ویژه روسیه، اکراین، لیتوانی، جمهوری چک، لهستان، مجارستان، مکزیک، هندوراس، برزیل، تایلند، فیلیپین، کره جنوبی، چین، ویتنام و مالزی برای سسکس تجاری وارد می شوند. قوه قضائیه آمریکا تائید می کند که بین 100 هزار تا 3 میلیون نفر که شامل کودکان نیز هست برای خودفروشی و پورنوگرافی روانه آمریکا شده اند. یونیسف گزارش می دهد که در سال 97 تنها 100 هزار کودک در آمریکا وارد سسکس تجاری شده اند.

کودک سرباز: سن ورود به ارتش آمریکا 17 سال است. در سال 98 ارتش آمریکا 6745 کودک را نیز پوشش می داد. در سال 99 حداقل صد سرباز 17 ساله در نیروهای آمریکایی در بالکان بودند. به گزارش وزارت دفاع آمریکا سربازان 17 ساله در جنگ خلیج شرکت داده شدند.

در صد کودکان کارگر در کل نیروی کار

آسیا	آفریقا	اروپا	آمریکا	آمریکای لاتین
3/15	22	3/0	9/7	7

نتیجه گیری

چنان که در سطور بالا آمد کار کودکان بدین شکل سروسامان یافته پدیده ویژه سرمایه داری است که بیش از 200 سال از عمر آن می گذرد اما هنوز برای کارفرمایان جذابیت دارد زیرا ارزان است. استعمار آن ها راحت تر است. مطیع ترند و چون اغلب غیرقانونی به کار گرفته می شوند مخارجی از نظر بیمه و بازنشستگی و اقدامات ایمنی ندارند، در حالی که هم زمان میلیون ها بیکار بزرگسال وجود دارد که کاری پیدار نمی کنند یا درحقیقت به کار گرفته نمی شوند. درعین حال آن ها که کار می کنند نیز به دلیل شدت بالای استثمارکه منجر به پرداخت مزد ناچیز و یا نامکفی می شود قادر به تامین مخارج خانواده خود نیستند. باید گفت که در همین نظام سرمایه داری هم اگر مخارج بازتولید نسل آتی نیروی کار که بر بودجه کارگران سرشکن می شود توسط سرمایه و نماینده آن دولت سرمایه داری به طور کامل تامین گردد مساله تخفیف خواهد یافت. به طور مثال، سرمایه داری برای نیازهای خود آموزش کودکان را از حیطة وظیفه خانواده خارج کرد به نحوی که کودکان در مدارس تعلیم می بینند اما هنوز مسئولیت تامین خوراک، پوشاک، کفش، وسایل کمک آموزشی، مخارج رفت و آمد به مدرسه و غیره باقی است که درآمد ناچیز خانواده کفاف آن را نمی دهد. فحشا نیز پیامد مالکیت خصوصی است که پیشرفته ترین شکل آن مختص سرمایه داری است. اما حل واقعی مساله با رفم های سرمایه داری و کمک های اجتماعی، چیزی که " بخشی از بورژوازی مانند اقتصادپون، انسان دوستان، جمعیت های خیریه، اعضا انجمن های حمایت حیوانات و غیره برای تامین بقای جامعه بورژوائی انجام می دهند" 7 امکان پذیر نیست. تنها زمانی می شود انسان شخصیت واقعی انسانی خود را به دست آورد و استعداد هایش شکوفا گردد که بساط سرمایه داری و کار مزدی برچیده شود. مساله مالکیت به سود نه دهم اعضای جامعه که امروز فاقد مالکیت اند به صورت تبدیل مالکیت خصوصی به مالکیت اجتماعی حل شود. کودکان نه فقط به والدین بلکه به جامعه هم تعلق گیرند و تمام تعهدات تامین آموزش فرزندان از والدین به جامعه تفویض گردد. کتاب، وسایل کمک درسی، تغذیه، وسایل عبور و مرور و غیره به طورکلی مجانی شود. در این صورت، فحشا نیز که از ملزومات مالکیت خصوصی است از بین خواهد رفت. اما این بدین معنی است که باید از هم امروز در همین نظام سرمایه داری مبارزه برای این زندگی انسانی را شدت بخشید و دست روی دست نگذاشت. زیرا امری مقدر و جبری نیست که باید به انتظارش نشست بلکه به خاطرش باید جنگید.

زیر نویس ها:

- 1- کارل مارکس، سرمایه، جلد اول، ترجمه فارسی، ص. 369
- 2- پایدار، ناصر، نگاهی به رابطه کار و سرمایه در ایران، سیمای سوسیالیسم، شماره 5، ص. 18
- 3- اخبار یونیسف، شماره 3، سپتامبر 2003، ویژه کودکان خیابانی و کودک سرباز
- 4- کنال خبری اروپا، EuroNews 2 ژانویه 2004
- 5- اکبر نعمتی، مدیر کل امور اجتماعی وزارت کشور، 17 آذر 1382، به نقل از ایران آزاد
- 6- تامارا هنری، گزارش برای 6، USA Today نوامبر 1998
- 7- کارل مارکس و فریدریش انگلس، مانیفست کمونیست، ترجمه فارسی، ص 80

یادداشت: اطلاعات و آمار مورد استفاده در این مقاله اکثراً از طریق جستجو در اینترنت به دست آمده که برای مراجعه خوانندگان مهم ترین آن ها را ذکر می کنم:

www.dol.gov/ilab
 - US Department of Labour
 Bureau of international Labour Affairs 2002
 - Advancing The Campaign Against Child Labour : Efforts at the country level
 - The Department of Labour,s 2002 Finding on the worst Form of child Labour
 Trade and Development act of 2000
 www.one word.org
 www.almudo.com
 - street children in Europe and the Middle East.
 www.arabia.com
 Child soldiers.org
 iranian children.org

- کمیته حمایت از کودکان خیابانی ایران - سوئد

http://www.hamaahangi.info/index.php?option=com_content&view=article&id=645%3Achild-labour&Itemid=530

آیا ممنوعیت کار کودک، بذرِ فردای سوسیالیسم نیست؟

تکثیر از جهانگیر محبی

ارسال به: اعضای گروه یاهو، گوگل، شخصیت‌های سیاسی-اجتماعی-اقتصادی-فرهنگی

هنری، سازمانها، احزاب، نشریات، رادیوها، تلویزیونها، انجمنهای

زنان-دانشجویان-دانش آموزان-معلمان-روزنامه نگاران

وبلاگ نویسان-نویسندگان، تشکلهای کارگری

و سایت ها در داخل و خارج از کشور

زندانی سیاسی آزاد باید گردد